

## نگاه دیپلمات

### قاسم مجبعلی دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل خاورمیانه:

# آینده خاور میانه قابل پیش بینی نیست

قاسم مجبعلی، دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل خاورمیانه در گفت و گو با هم میهن گفت: «آمریکایی ها از ایران خواسته اند به این امر کمک کند و از بیمنی ها، عراقی ها و لبنانی ها بخواهد کمکی به گسترش جنگ نکنند». این تحلیلگر سیاست خارجی همچنین گفت: «ایران تاکنون تلاش کرده تا از توسعه جنگ و ورود به جنگ به رغم برخی اظهارات نسنجیده در داخل کشور، جلوگیری کند، چنانچه نفع ایران در گسترش جنگ نیست؛ لذا تاکنون این مسئله مدیریت شده اما آینده قابل پیش بینی نیست». مجبعلی تاکید کرد: «اگر تهران سیاست خود را در قبال مسئله فلسطین تغییر دهد، می تواند نقش مثبتی، هم برای فلسطین و هم منطقه ایفا کند».

مهمترین چالش های منطقه همین مناقشه فلسطین است و تا زمانی که مناقشه فلسطین وجود دارد، این ریشه بیشتر مشکلات خاورمیانه از جمله مسئله افراتی گری دینی و افراتی گری یهودی است که اگر حل شود تدریجاً از هر دو سمت دیگر فرصت بروز و ظهور نخواهند داشت.

### چقدر احتمال دارد تحرکات اسرائیل خطر بالقوه ورود ایران به صحنه جنگ را بالفعل کند؟

مسائل خاورمیانه قابل پیش بینی نیست و ممکن است یک حادثه کوچک مانند آنچه در تونس اتفاق افتاد و یک دستفروش خودش را آتش زد، منجر به حوادث بزرگ شود. بنابراین موضوع عملیات ۷ اکتبر حماس و تحولات دیگر هم می تواند منجر به تحولات بزرگ شود چرا که همانطور که اشاره کردم بازیگرانی با منافع متضاد در خاورمیانه حضور دارند و فعال هستند و این بازیگران از حوادثی که بازی را به هم می زند استقبال می کنند. اگر روابط ایران و غرب خوب شود، بازیگری که این مسئله منافع اش را تامین نمی کند، سعی در به هم زدن بازی دارد. ایران تاکنون تلاش کرده تا از توسعه جنگ و ورود به جنگ بهره برمی خیزد. چنانچه نفع ایران در گسترش داخل کشور، جلوگیری کند؛ چنانچه نفع ایران در گسترش جنگ نیست؛ لذا تاکنون این مسئله مدیریت شده اما آینده قابل پیش بینی نیست و ممکن است یک اتفاق وضعیت را به هم بریزد. هر چند اشاره کردم که مهم ترین بازیگر بین المللی یعنی آمریکا علاقهای به گسترش جنگ ندارد و خواسته اش این است که جنگ محدود به غزه باقی بماند. با این حال این تمام قصه نیست و ممکن است بازیگران دیگر، خواست خود را به ایران و آمریکا تحمیل کنند.

### امروز پس از سال ها ایده دودولتی در فلسطین اشغالی بار دیگر روی میز قرار گرفته و اعراب و آمریکا حامی آن هستند؛ چه میزان محتمل است که ایران برای کاهش تنش و ایجاد امنیت در منطقه در برخی از مواضع اش در خصوص فلسطین اعتداف نشان دهد؟

سیاست بر اساس امکانات بنا می شود؛ آرزوهای جایی در سیاست ندارند. عربها آرزوهایی داشتند؛ ملک فیصل پادشاه سعودی، اسرائیل را غده سرطانی می نامید، جمال عبدالناصر می خواست اسرائیلی ها را به دریا بریزد، قذافی خواهان بمباران اتمی اسرائیل بود اما این ها به واقعیت تبدیل نشد. آنچه در حال حاضر ممکن و به نفع صلح و امنیت است، همانی است که عربها پس از سه جنگ با اسرائیل و تحولات پس از جنگ به آن رسیدند و آن راه حل دودولتی است. آنچه امروز به نفع فلسطین، منطقه و امنیت منطقه است همین راه حل دودولتی است که البته دستیابی به آن راحت نیست و ابهاماتی در خصوص اینکه آیا فلسطین یک دولت کامل شامل ارتش و دارای قدرت کنترل مرزها منظر اعراب با پایتختی قدس شرقی باشد یا دولت محدود مدنظر آمریکا باشد، وجود دارد. اما آنچه در حال حاضر ممکن است همین طرح دودولتی است. هر سیاسی غیر از این نه به نفع فلسطین و نه به نفع امنیت منطقه است. طبیعتاً همانطور که در ۴۰ سال گذشته خواسته های ایران محقق نشده است، هیچ چشم انداز مشخصی برای ایده ایران جز هزینه زیاد وجود ندارد. یکی از عواملی که موجب شد برنامه هسته ای ایران تا این حد مورد همه قرار بگیرد و تهدیدی برای غرب تلقی شود، همین سیاست ایران در قبال موضوع فلسطین بود. لذا اگر در این ۴۴ سال این اتفاق نیفتاده، پس از این هم چنین سیاستی عملی نخواهد شد. نیاز نیست ایران به صورت اعلامی موضع خود را اعلام کند؛ ایران در نشست های مرتبط تاکنون دعوت نشده، پس از این هم دعوت نخواهد شد اما اگر سیاست خود را تغییر دهد می تواند نقش مثبتی، هم برای فلسطین و هم منطقه ایفا کند.

### پیام آمریکا و جزئیات تأیید نشده آن حاکی از نوعی همپوشانی میان منافع جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده است؛ آیا اینکه تهران و واشنگتن خواهان گسترش جنگ نیستند و همزمان نیز نتایج را مسئول این مسئله می دانند، می تواند شکلی از همکاری را مانند نمونه های پیشین آن میان دو کشور رقم بزند؟

در صورتی می توان در خصوص پیام آمریکا نظر داد که متن انگلیسی آن خوانده شود اما آنچه منتشر شده یک پیام دویپلو است؛ به این معنا که از یک طرف خواستار عدم گسترش جنگ شدند و اینکه آمریکا علاقه مند است که در منطقه آرامش برقرار شود و وارد درگیری با ایران نشود؛ مفهوم دیپلماتیک این پیام این است که اگر جنگ گسترش پیدا کند، ممکن است منجر به درگیری شود. از سوی دیگر آمریکایی ها به صورت علنی در مسئله فلسطین مخالفت آشکاری با مواضع نتانیاهو در خصوص غزه دارند. سیاست ایالات متحده چه اعلامی و چه عملی این است که آینده غزه باید به دست فلسطینی ها باشد. البته این منطقه نباید نظامی باشد اما فلسطینی ها باید اداره کنند. همچنین بحث دودولتی هم مطرح است که اختلاف دولت دموکرات آمریکا با نتانیاهو است. اختلافات دولت دموکرات با نتانیاهو از ابتدا وجود داشته و همانطور که دیدید باین حاضر به دیدار با نخست وزیر اسرائیل نبود تا زمانی که واقعه ۷ اکتبر اتفاق افتاد. لذا دولت دموکرات با دولت جمهوری خواه در خصوص نتانیاهو اختلاف نظر دارد اما در حمایت بی چون و چرا از اسرائیل و امنیت اسرائیل هم نظر هستند. این موضوع می تواند نکته ای باشد که آمریکایی ها در پیام به ایران - که البته باید متن آن دیده شود چرا که جمله بندی و کلمات در متون دیپلماتیک مهم است- تأکیدشان بر این است که جنگ گسترش پیدا نکند و از ایران خواسته اند به این امر کمک کنند و از بیمنی ها، عراقی ها و لبنانی ها بخواهد کمکی به گسترش جنگ نکنند. از سویی دیگر آمریکایی ها در نظر دارند اگر جنگ گسترش پیدا نکند، امتیازاتی را برای فلسطینی ها در دوران پس از جنگ در نظر بگیرند.

### در حالی که شاهد بودیم هر زمان ایران و آمریکا به دنبال ایجاد گفت و گو، تفاهم یا توافق بودند، نیروی سومی در منطقه برای سنگ اندازی در این مسیر وارد عمل شده است؛ تروهای صورت گرفته از سوی اسرائیل برای آنچه تحریک ایران و نیابتی هایش عنوان می شود، می تواند در این مسیر خلل وارد کند؟

در خاورمیانه، نیروهای مختلف با منافع متضاد وجود دارند و خیلی از این نیروها به هیچ عنوان علاقه مند نیستند که روابط ایران و غرب بهبود پیدا کند که برخی نیز از دوستان ما مانند روسیه و چین هستند و برخی گروه هایی که معتقدند ایران تا زمانی از آن ها حمایت می کند که روابط تهران و غرب خوب نباشد. اسرائیل حتماً از تخریب مناسبات و حتی درگیری نظامی سود می برد. کشورهای عرب خلیج فارس نیز جزو این دسته هستند و در سطح دولت ها هستند. جریانات تندرو و افراطی همیشه در شکاف ها زندگی می کنند و آن ها هم خواهان استقرار امنیت و ثبات در کشورهای منطقه نیستند. اگر شکاف میان قدرتهای بین المللی و منطقه ای رفع شود، وضعیت خاورمیانه تغییر کرده و آن ها شانسی برای ادامه حیات ندارند. هر زمان این مسئله پیش می آید، همین نیروها تلاش می کنند تا میان بازیگران بزرگتر شکاف ایجاد کنند تا درگیری و چالش ادامه پیدا کند. داعش و طالبان و القاعد و سایر گروه ها نفعشان در همین است. یکی از

جزئیات مهم پیام آمریکا که شامل برخی از مهمترین دغدغه های ایران برای تحولات پساجنگ است، در حالی از سوی این خبرنگار مطرح می شود که سی ان ان نیز به نقل از یک مقام ارشد وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد، یکی از اهداف سفر آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه این کشور به خاورمیانه، برقراری تماس غیر مستقیم با ایران برای جلوگیری از تشدید تنش ها است. بلینکن در نخستین مرحله از دور جدید سفر ویژه خود به منطقه غرب آسیا که شامل سفر به اسرائیل و کرانه باختری و ۵ کشور عربی از جمله مصر، اردن، قطر، عربستان سعودی، امارات می شود با هدف کاهش درگیری ها عصر جمعه گذشته وارد ترکیه شد.

خبرگزاری انگلیسی پرس آسوسییشن در خصوص اهداف سفر بلینکن به ترکیه و دیدار با رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور و هاکن فیدان، وزیر خارجه این کشور در استانبول نوشته است، وزیر امور خارجه آمریکا در خصوص اینکه آنکارا چگونه می تواند از «نفوذ خود مخصوصاً بر ایران و نیابان آن برای کاهش تنش، سرعت بخشیدن به ارسال کمک های انسانی دوستانه به غزه و آغاز برنامه ریزی ها برای بازسازی و حکومت بر غزه ی پس از جنگ استفاده کند»، با این مقامات گفت و گو کرده است.

همچنین در روزهای گذشته شاهد بودیم که ایالات متحده بلافاصله پس از انفجارهای تروستی، آن را هولناک توصیف کرده و اعلام کرد: «آمریکا به هیچ شکلی در این رویداد نقشی نداشته است». همچنین دو منبع آگاه در دولت آمریکا به روتبر گفتند: «رهگیری های ارتباطات جمع آوری شده توسط ایالات متحده تأیید می کند که شاخه مستقر داعش در افغانستان، دوبمب گذاری را در ایران انجام داده است».

در کنار تمامی تحولاتی که نشان می دهد آمریکا در تلاش است تا برای مدیریت تحولات در خاورمیانه در میانه و پس از پایان جنگ، کانال ارتباط با ایران را حفظ کرده و حتی تنش خود را با تهران نیز کنترل کرده و از ظرفیت آن استفاده کند؛ شواهدی وجود دارد که می تواند حاکی از این واقعیت باشد که نگرانی و با حثی ناراضی ایالات متحده از اسرائیل و بنیامین نتانیاهو موجب شده تا کاخ سفید رویه فعلی را در پیش بگیرد.

نشریه Intelligence در مقاله ای با تیتروطنی «بی بی برای کمک به خود در خانه به عقب برمی گردد، رهبر شدیداً منفور اسرائیل شروع به سرپیچی آشکار از بایدن و ایالات متحده کرده است»، در ۲۲ نوامبر نوشت: «ماه اول جنگ اسرائیل علیه حماس با بالاترین حمایت یک رئیس جمهور آمریکا در تاریخ این کشور همراه بود و جو بایدن به تل آویو رفت. اسرائیلی ها پس از اینکه دولت شان در پیش بینی یا جلوگیری از کشته شدن ۱۲۰۰ نفر توسط حماس تا کم ماندند و از مسئولیت این حمله شانه خالی کردند، به بایدن مانند یک ناچی نگاه کردند. بلافاصله پس از ۷ اکتبر، نتانیاهو در پس این حمله پنهان شد. او پیش از جنگ به دلیل اصلاحات قضایی پیشنهادی که می توانست سیستم حکومتی اسرائیل را به هم بریزد و احتمالاً او را از محاکمه فسادش که هنوز در جریان است، نجات دهد، محبوبیتی در بین اسرائیلی ها و دولت بایدن نداشت. هفتادوشش درصد از اسرائیلی ها معتقدند، او باید به دلیل اشتباهات و تصورات نادرست استعفا دهد چرا که او باعث شد حمله حماس تا این حد مرگبار باشد. اکنون، در حالی که جنگ با کشتار هزاران غیرنظامی در ماه دوم ادامه دارد، مردی که به دلیل مهارتش در فرار از تله های سیاسی به عنوان جادوگر شناخته می شود، تلاش می کند تا برای فرار از شکست به سمت رویارویی مستقیم با ایالات متحده رفته و به گفته یک مقام سابق و یک مقام فعلی آمریکایی، دولت بایدن را خشمگین کند». CNN در ۱۴ دسامبر با تیتروتنش های بی سابقه بین کاخ سفید و نتانیاهو، در حالی که بایدن بهای سیاسی ایستادن در کنار اسرائیل را احساس می کند» نوشت: «جو بایدن در روزهای وحشتناک پس از حملات حماس در ۷ اکتبر، اسرائیل را بیش از هر رئیس جمهوری آمریکا تا به حال نزدیک تر نگه داشت. اما پیش از دو ماه بعد، چند روز پس از پایان حملات اسرائیل به غزه که منجر به کشته شدن هزاران غیرنظامی شد، تنش های بی سابقه بر سر جنگ بین کاخ سفید و دولت بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر، در حال گسترش است. برای مثال، بایدن اسرائیل را متهم کرد که در یک رویداد سیاسی خارج از دوربین در این هفته بمب گذاری «بی رویه» انجام داده است. او از زبان بسیار صریح استفاده کرد، که معمولاً باعث مخالفت رهبران اسرائیلی می شود، که اصرار دارند سعی می کنند غیرنظامیان در امان باشند، اما حماس را به استفاده از فلسطینیان بی گناه به عنوان پوشش متهم می کند. شکاف های دیپلماتیک عمیق تر می شوند زیرا از رزیابی اطلاعاتی جدید ایالات متحده که به طور انحصاری توسط CNN در روز پنجشنبه گزارش شد، نشان می دهد که تقریباً نیمی از مهمات هوا به زمین مورد استفاده اسرائیل در غزه، بمب های بی هدایتی به نام «بمب های گنگ» بوده اند... و تلفات بی امان بر فلسطینی ها بهای سیاسی را نیز افزایش می دهد که بایدن در داخل برای حمایت از اسرائیل می پردازد؛ شک و تردیدهایی را در مورد توانایی او برای تقویت ائتلاف سیاسی اش پیش از انتخابات ۲۰۲۴ ایجاد می کند».

روزنامه هالز تنر روز گذشته در گزارشی اعلام کرد، وزیر خارجه آمریکا که سرگرم سفر دوره ای خود به خاورمیانه است با سه درخواست مشخص از رهبران اسرائیلی به تل آویو سفر کرده است؛ بلینکن قرار است فشارهایی را برای بازگشت اورگان غزه به مناطق و محل زندگی اصلی شان وارد کند. منابع آگاه همچنین به این رسانه خبر دادند: «وزیر خارجه آمریکا در جریان سفر خود از مسئولین اسرائیلی خواهد خواست تا ارتش اسرائیل حتماً روش های عملیات نظامی خود را در غزه تغییر داده و تلاش کند تا مناطق مسکونی را هدف قرار ندهد و افراد غیرنظامی را در معرض خطر قرار نهد. بیشترین نگرانی واشنگتن از به وجود آمدن یک بحران انسانی در جنوب نوار غزه است و قصد دارند به طرف اسرائیلی این پیام را تفهیم کنند که ارتش اسرائیل نباید از همان رویکردی که در شمال در پیش گرفته بود، استفاده کند».

روزنامه بدیعوت آحرانوت نیز در تحلیل خود از سفر آنتونی بلینکن به فلسطین اشغالی نوشت: «هدف اصلی وی از سفر به تل آویو آن است که اطمینان حاصل کند اسرائیل تصمیم خود را برای ورود به فاز بعدی جنگ که با شدت کمتری ادامه خواهد یافت، گرفته است». این رسانه اسرائیلی در عین حال فاش کرد، ارتش اسرائیل عملاً وارد فاز سوم عملیات خود در غزه شده است اما این مسئله را رسانه های نکرده بود. دولت آمریکا مایل است این مسئله رسماً و علناً اعلام شود، زیرا اعلام کاهش شدت عملیات می تواند باعث شود تا حزب الله لبنان هم حاضر به پذیرش راه حل میانه ای در رابطه با درگیری خود با اسرائیل در طول مرزهای جنوبی اش شود.

تلاش هستند تا از آن جلوگیری کنند. البته این سنجیدگی ایران تداوم داشته و به نظر می رسد، راه استراتژیک و بلندمدتی است که در ایران اتخاذ شده تا در تله اسرائیل نیفتد و این سیاست در سومین روز جنگ در سخنرانی رهبری در دانشکده افسری اعلام شد. با این حال تله های زیادی ممکن است به وجود بیاید و حتی برخی تحولات نیز از سوی اسرائیل نباشد اما تل آویو از آن استفاده کند. به هر صورت حساسیت آمریکا و نزدیکی به انتخابات موجب می شود آمریکا در تلاش برای مدیریت تنش ها، مخصوصاً اگر کانال مستقیمی برقرار باشد، من فکر نمی کنم شاهد ایجاد سوء تفاهم و ورود ایران به جنگ باشیم.

### شما به تفاهم شفاهی شکل گرفته میان ایران و ایالات متحده اشاره کردید. در چارچوب آن تفاهم، پول های بلوکه شده ایران از کره جنوبی به قطر منتقل شد اما حالا به نظر می رسد به دلیل فشارهایی که به کاخ سفید وارد شده است، آمریکا به قطر اعلام کرده، ایران قادر به استفاده از این منابع نیست، از سوی دیگر می بینیم که مسئله کاهش ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران نیز که در چارچوب همان تفاهم کاهش پیدا کرده بود، براساس گزارش جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی افزایش پیدا کرده که می تواند واکنشی به همان مسئله پول های موجود در قطر باشد؛ چقدر این احتمال وجود دارد که آن تفاهم از حالت فریز خارج شده و مجدداً فضا برای افزایش سطح آن وجود داشته باشد؟

بعید است چنین چیزی اتفاق بیفتد چرا که خاستگاه و انگیزه همان تفاهم شفاهی نیز انتخابات ایالات متحده بود. دولت بایدن برای کم کردن تنش در حالی که علاقه ای به ورود به موضوع پربریسی همچون احیای برجام نداشت، تلاش کرد تا بتواند از افزایش تنش از سمت ایران جلوگیری کند. وقتی در داخل آمریکا به این تفاهم حمله می کنند، فقط مسئله پول های بلوکه شده نیست بلکه انعکاس آن بر فضای سیاسی و انتخاباتی آمریکا مطرح است. آمریکا تلاش کرد بالاسی را به وجود بیاورد تا از یک طرف ایران سطح غنی سازی را که آن ها هم می دانند بازدارندگی عملی ندارد، کاهش دهد و از سوی دیگر از فشار داخلی ضرر نبیند؛ اینکه چقدر موفق خواهد بود به اقدامات دولت بایدن بستگی دارد.

## دیپلمات ها



### هشدار ایران به آمریکا و اسرائیل

نماینده ایران در سازمان ملل در نامه به شورای امنیت در خصوص اتهامات پیرامون دریای سرخ از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، هشدار داد. در نامه سعید ابیروانی، نماینده دائم ایران در سازمان ملل آمده است: «جمهوری اسلامی ایران ادعاهای بی اساس مطرح شده در این نشست را صریحاً محکوم و قاطعانه رد می کند. این اتهامات غیرقابل اثبات و فاقد مدرک است. جمهوری اسلامی ایران همواره برای امنیت دریایی و آزادی دریانوردی اهمیت زیادی قائل بوده و بر تعهد تزلزل ناپذیر خود به پایبندی به تعهدات بین المللی خود و حفظ صلح و امنیت در منطقه تاکید می کند. هدف آمریکا و رژیم اسرائیل از طرح چنین اتهامات بی اساسی، روشن است: انحراف توجه بین المللی از علل ریشه ای وضعیت کنونی دریای سرخ؛ نسل کشی و قتل عام وحشیانه رژیم اسرائیل تحت حمایت کامل ایالات متحده علیه مردم بی گناه فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری؛ و نیز مشارکت آنها در تجاوزات نظامی هماهنگ و فعالیت های بدخواهانه علیه سایر کشورهای منطقه. ایالات متحده نمی تواند این واقعیت غیرقابل انکار را رد کند یا برآن سرپوش بگذارد؛ واقعیتی که بیانگر این مسئله است که حوادث اخیر در دریای سرخ مستقیماً با ادامه جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین در غزه مرتبط است. ایالات متحده و رژیم اسرائیل مسئولیت کامل جنایات مذموم در حال ارتکاب در فلسطین اشغالی را برعهده دارند. شدت جنایت جنگی رژیم اسرائیل و جنایت نسل کشی علیه مردم فلسطین در غزه توسط سازمان ملل متحد، سازمان های بین المللی و نهادهای حقوق بشری تصدیق و مستند شده است؛ جنایاتی را که به عنوان گسترده ترین نسل کشی ثبت شده در تاریخ معاصر معرفی می کنند. ایالات متحده به جای اقدام قاطع برای مهار این نقض های شدید، نه تنها در کنار رژیم اسرائیل می ایستد، بلکه با ارائه حمایت نظامی و پوشش دیپلماتیک قابل توجه به رژیم اشغالگر کمک می کند. با ممانعت از اجرای وظایف منشور شورای امنیت، که در تضاد با درخواست های بین المللی برای پایان دادن به کشتار فلسطینی ها در غزه توسط اسرائیل است. ایالات متحده اکنون به دنبال قطعنامه ای در شورای امنیت است که ظاهراً بر حقوق و آزادی دریانوردی در دریای سرخ تمرکز دارد. با این حال، هدف اصلی مشروعیت بخشیدن به اصطلاح «ائتلاف دریایی بین المللی» به رهبری واشنگتن برای خدمت به اهداف سیاسی منطقه ای خود و دادن سپر لازم به اسرائیل برای ادامه جنایات جنگی و جنایات خود در غزه است. در نتیجه، اظهارات ایالات متحده در مورد به اصطلاح «حقوق کشتیرانی و آزادی کشتی های همه کشورهای در دریای سرخ» تنها به عنوان تلاشی برای انحراف از واقعیت تلخ جنایات و نسل کشی مداوم در فلسطین تلقی می شود. جمهوری اسلامی ایران با هشدار نسبت به هرگونه اقدام تحریک آمیز یا غیرمسئولانه ایالات متحده که ممکن است صلح و امنیت منطقه را به خطر بیندازد، از شورای امنیت می خواهد به مسئولیت های خود برای رسیدگی به علل وضعیت کنونی دریای سرخ پایبند باشد. در این راستا، شورای امنیت باید تدابیر قاطعی اتخاذ نماید تا رژیم اسرائیل را وادار به توقف خونریزی، توقف اقدامات تجاوزکارانه خود و پایبندی استوار به تعهدات بین المللی خود تحت قوانین بشردوستانه و حقوق بشر کند. علاوه بر این، شورای امنیت باید رژیم اشغالگر را مجبور به اجرای کامل قطعنامه های ۲۷۱۲ و ۲۷۲۰ کند؛ قطعنامه هایی که خواستار حداقل الزامات برای تسهیل و تضمین ارسال سریع، ایمن و بدون مانع کمک های بشردوستانه به مردم فلسطین در سراسر نوار غزه هستند.»

